

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ودوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۸۱-۱۰۳

نگاهی به متصرفات ایرانی ساسانی در قفقاز جنوبی بر اساس داده‌های باستان‌شناختی*

محمد قنواتی هندیجانی^۱، یعقوب محمدی‌فر^۲

چکیده

قفقاز جنوبی، به عنوان بخشی از ایران فرهنگی دوره‌ی ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م.)، در زمره‌ی سرزمین‌های ایرانشهر قرار گرفت. بنا بر مدارک نوشتاری ساسانی، این منطقه با عنوان سرزمین‌های انیرانی شناخته می‌شود. از زمان شاپور یکم (۲۴۱-۲۷۲ م.)، اصطلاحاتی چون ایرانشهر، ایران و انیران را در سنگ‌نبشته‌های ساسانیان مشاهده می‌کنیم. استفاده از این واژه‌های جدید نشانگر تصرف سرزمین‌های غربی و شمال غربی شاهنشاهی در نتیجه تسلط نسبی ساسانیان بر این مناطق است. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از بررسی تطبیقی، تلاش دارد بر اساس مواد فرهنگی باستان‌شناختی و در عین حال نوشته‌های تاریخی به این پرسش پاسخ دهد که متصرفات ساسانی در قفقاز جنوبی شامل چه مناطقی می‌شده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که منطقه قفقاز جنوبی در دوره ساسانی به سه ناحیه قومی-نژادی بزرگ اران، ارمین، و پروزان تقسیم می‌شده است. در این بین، ارمنستان اهمیت بیشتری داشت، تا جایی که شهر دوین مرکز دیوانی قفقاز جنوبی بود. در مورد گرجستان نیز ساسانیان بیشتر بر بخش شرقی آن تسلط داشتند.

واژه‌های کلیدی: ایران و انیران، شاهنشاهی ساسانی، قفقاز جنوبی، اران، ارمین، و پروزان

۱. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان. (qanavati@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری با عنوان «جغرافیای اداری قفقاز جنوبی در دوره ساسانی بر اساس سنگ‌نبشته‌ها، سکه‌شناسی، مهرنگاری، نوشته‌های تاریخی و جغرافیایی» دانشگاه بوعلی سینا است.

۲. استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان. (yamohammadi@yahoo.com)

مقدمه

بیان مسئله

نخستین بار واژه «قفقاز» در اثر ایشیل، نمایشنامه‌نویس یونان باستان، در درام *یرومته* زنجیرشده آورده شده است.^۱ در نوشته‌های ایرانی نیز نخستین بار در متن پارتی سنگ‌نبشته شاپور یکم در کعبه زردشت به صورت «کاپ کوف»^۲ آمده است، که اکبرزاده آن را با کوه قاف اساطیری مرتبط می‌داند.^۳ در جغرافیای منسوب به موسی خورنی، برای نام بردن از قفقاز جنوبی از اصطلاح کوست کپکوه استفاده شده است. مارکوارت واژه‌ی قفقاز را برگرفته از واژه فارسی «گپ‌کُ» از ترکیب واژه‌های «گپ = بزرگ» و «کُ = کوه» به معنای کوه بزرگ می‌داند.^۴ نویسندگان مسلمان نیز آن را به صورت «قبق» و «قیخ» آورده‌اند.

حضور ایرانیان در قفقاز جنوبی به زمان مادها (۵۵۹-۷۰۸ پ.م.) بازمی‌گردد، زیرا برای نبرد با لیدی می‌بایست از این منطقه گذشته و به سمت سارد لشکرکشی کرده باشند. سپس در دوره هخامنشی (۳۳۰-۵۵۹ پ.م.) قفقاز جنوبی به طور کامل در شاهنشاهی آنها قرار می‌گیرد. اشکانیان (۲۴۷ پ.م. - ۲۲۴ م.) از سال ۵۶ م. موفق به ایجاد سلسله‌ای از خاندان شاهی خود در این منطقه می‌شوند و تا سال ۴۲۸ م. که توسط ساسانیان از بین می‌روند به حکومت خود در این منطقه ادامه می‌دهند. ساسانیان از همان آغاز سلسله خود، به دلیل وجود شاخه‌ای از خاندان اشکانی در قفقاز جنوبی و به ویژه ارمنستان، ناگزیر از لشکرکشی به این منطقه شدند، اما نبردهای آنان در زمان اردشیر یکم (۲۲۴-۲۴۱ م.) سودی نبخشید و تنها از زمان شاپور یکم است که موفق به تصرف بخش‌هایی از این سرزمین می‌شوند. آنان نه تنها با دشمنی همچون امپراتوری‌های روم (۲۷ پ.م. - ۳۹۵ م.) و سپس بیزانس (۳۹۵-۱۴۵۳ م.) روبه‌رو بودند، بلکه گاهی با شورش‌های مذهبی مواجه

۱. بهرام امیراحمدیان، (۱۳۸۱)، *جغرافیای کامل قفقاز*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ص. ۱۹.

۲. kāp kōf

۳. داریوش اکبرزاده، (۱۳۸۲)، *سنگ‌نبشته‌های پهلوی اشکانی (پارتی)*، تهران: پازینه، ص. ۴۶.

۴. یوزف مارکوارت، (۱۳۷۳)، *ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران:

اطلاعات، ص. ۱۸۷.

می‌شدند که ناگزیر از لشکرکشی و سرکوب آنها بودند.

پیشینه پژوهش

بنا بر آگاهی نگارندگان درباره‌ی موضوع این مقاله، پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گرفته از غرب به شرق نگریده شده و به متصرفات رومی‌ها در آسیا پرداخته شده است. اشپرنگلینگ^۱ در ۱۹۳۷، هنینگ^۲ در ۱۹۳۹، ماریک^۳ در ۱۹۵۸، بک^۴ در ۱۹۷۸ و نیز اکبرزاده^۵ در ۱۳۸۲ از جمله کسانی هستند که بر اساس سنگ‌نبشته شاپور یکم به نگارش مقاله یا کتاب در این زمینه پرداخته‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تمامی کارهای صورت گرفته مربوط به اوایل دوره ساسانی است و نمی‌تواند کل دوره ساسانی را در بر گیرد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

این پژوهش تلاش دارد به روش توصیفی و تحلیلی به کمک مدارک باستان‌شناختی و متون تاریخی به این پرسش پاسخ دهد که سرزمین‌های انیرانی در سنگ‌نبشته‌های ساسانی چه مفهوم و ویژگی‌هایی داشتند و شامل چه مناطقی از قلمرو شاهنشاهی ساسانی بودند؟ حدود متصرفات ساسانیان در قفقاز جنوبی به منزله یک سرزمین انیرانی چگونه بوده است؟ در پایان نیز به یک تصویر کلی از متصرفات ساسانی در شمال غرب شاهنشاهی خواهد رسید. برای ورود به موضوع اصلی مقاله، نخست به معرفی سرزمین‌های انیرانی بر اساس سنگ‌نبشته‌های ساسانی پرداخته و سپس به جغرافیای قفقاز جنوبی و حدود این منطقه اشاره می‌شود.

1. M. Sprengling, "A New Pahlavi Inscription", *American Journal of Semitic Languages and Literatures*, vol. 53, No. 2., 1937, pp. 126-144.
2. W.B. Henning, "The Great Inscription of Šāpūr I", *Bulletin of the School of Oriental Studies, University of London*, Vol.9, No.4, 1939, pp. 823-849.
3. André Maricq, "Classica et Orientalia:5. Res Gestae Divi Saporis", *Syria*, T. 35, Fasc. 3/4, 1958, pp. 295-360.
4. Michael Back, "Die Sassanidischen Staatsinschriften, Studien zur Orthographie und Phonologie des Mittelpersischen der Inschriften", *Acta Iranica* 18, Textes et Mémoires, Tome 8, 1978.

۵. سنگ‌نبشته‌های پهلوی اشکانی (پارتی)، تهران: پازینه.

۱. ایران و انیران در دوره ساسانی

اردشیر یکم، در نقش برجسته‌ی نقش رجب، خود را «شاهنشاه ایران» می‌نامد. با وجود این که لقب «شاهنشاه» پیش از ساسانیان نیز دیده می‌شود، هرگز با واژه «ایران» همراه نبوده، و این یکی از نخستین ابتکارهای سلسله‌ی تازه بنیان‌یافته ساسانی است. در زمان شاپور یکم نیز عنوان «ایران و انیران» به لقب «شاهنشاه» افزوده می‌گردد. شاپور یکم بر سنگ‌نبشته کعبه زردشت، خود را با عنوان «شاهنشاه ایران و انیران» توصیف می‌کند. همین شکل توسط شاهان بعدی، از نرسه (۲۹۳-۳۰۲ م.) تا شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م.) به کار برده می‌شود.^۱ اما بر روی سکه‌ها این عنوان از زمان هرمزد اردشیر (۲۷۲ م.)، جانشین شاپور یکم، به بعد آغاز می‌گردد. گویا استفاده از این عنوان توسط شاپور یکم در پی پیروزی‌های وی در برابر روم و تصرف سرزمین‌های رومی بوده است. این عنوان در زمان نرسه که منجر به از دست دادن بسیاری از نواحی متصرفه ساسانی در میان‌رودان، سوریه و نیز بخش‌هایی از سرزمین قفقاز جنوبی می‌شود از روی سکه‌های این پادشاه حذف می‌گردد.

کردیر در سنگ‌نبشته خود فهرست روشن‌تری از ایالت‌های انیران، شامل ارمنستان، گرجستان، آلبانیا، و بلاسگان، همراه با سوریه و آسیای صغیر را ارائه می‌دهد. انیران به معنای «غیر ایران» یک اصطلاح قومی-زبانی فارسی میانه است که معمولاً به طور تحقیرآمیز برای مشخص کردن یک دشمن سیاسی و مذهبی ایران و آیین زردشتی استفاده می‌شود.^۲ پس به این نتیجه می‌رسیم که واژه انیران در مورد مردمی به کار می‌رفته که از لحاظ قومی و زبانی غیرایرانی و از لحاظ مذهبی نیز غیرزردشتی بودند، اما در قلمرو شاهنشاهی ساسانی قرار داشتند، و این از معنای انیران که غیرایرانی و بیگانه ترجمه شده است آشکار است.

1. David Niel MacKenzie, (1998), "Ērān, Ērānšahr", *Encyclopedia Iranica*, Vol. 8, Fasc. 5, Costa Mesa, California: Mazda, p. 534.
2. Ph. Gignoux, (1987), "Anērān", *Encyclopedia Iranica*, Vol. 2, Fasc. 1, New York: Routledge & Kegan Paul, p. 30.

۲. جغرافیای قفقاز جنوبی

منطقه مورد بررسی در این پژوهش یک گستره بزرگ کوهستانی است که در جنوب رشته‌کوه‌های قفقاز بزرگ قرار دارد (نقشه ۱). مرز شمال غربی قفقاز جنوبی را دریای سیاه و کوه‌های پونتوس در بر می‌گیرند. از شرق به دریای خزر و از غرب به رود فرات و رشته‌کوه آنتی‌توروس محدود می‌شود. در جنوب، رشته‌کوه‌های توروس از غرب به شرق کشیده شده و به رشته‌کوه زاگرس در مرز ایران می‌رسد. مرز جنوب شرقی را نیز کوه‌های قره‌باغ در شمال غرب فلات ایران تشکیل می‌دهد. رودخانه‌های بزرگ و مهمی همچون دجله، فرات، ارس، کورا، زاب بزرگ و خابور از بلندی‌های این سرزمین سرچشمه می‌گیرند. مهم‌ترین و معروف‌ترین دشت قفقاز جنوبی دشت تاریخی آارات است که از دامنه‌های کوه آارات به سمت شرق گسترش می‌یابد و رود ارس نیز از جنوب این دشت می‌گذرد. از دیگر ویژگی‌های این سرزمین کوه آارات به عنوان مرتفع‌ترین قله در خاورمیانه و جلگه‌های کولخیس در شمال غرب و جلگه کورارارس در شرق منطقه هستند.

بنابراین، همان‌طور که مشاهده می‌شود، قفقاز جنوبی سرزمینی بسیار کوهستانی است که با مرزهای کوهستانی خود از سایر مناطق جدا شده و شامل کشورهای آذربایجان، گرجستان، ارمنستان و شرق ترکیه امروزی است.



نقشه ۱. وضع ناهمواری‌ها و رودهای قفقاز جنوبی

۳. داده‌های باستان‌شناختی

داده‌های باستان‌شناختی که از حضور ساسانیان در قفقاز جنوبی ما را آگاه می‌سازند شامل سنگ‌نبشته‌های پادشاهان و افراد بانفوذ، همچون کرتیر، سکه‌ها و گل‌مهرهای ساسانی است. در ادامه به بررسی این مدارک باستان‌شناختی می‌پردازیم که برای شناسایی متصرفات ساسانی به عنوان مواد فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ترتیب این مواد بر اساس تاریخ نگارش آنهاست.

۳-۱. سنگ‌نبشته‌ها

۳-۱-۱. سنگ‌نبشته شاپور یکم بر دیوار کعبه زردشت

نخستین و مهم‌ترین داده باستان‌شناختی درباره لشکرکشی‌های ایرانیان در آغاز دوره ساسانی سنگ‌نبشته شاپور یکم بر دیوار کعبه زردشت است. در این سنگ‌نبشته شاپور یکم درباره لشکرکشی‌ها و پیروزی‌های خود در استان‌های شرقی روم سخن می‌گوید و ما را از حدود متصرفات ایرانیان در این منطقه آگاه می‌سازد. بر اساس دو سطر نخست متن پارتی این سنگ‌نبشته، شاپور از حدود ایرانشهر ساسانی چنین یاد می‌کند: «... خداوندگار ایرانشهرم و [این] شهرها (کشور) را دارم: پارس، پارت، خوزستان، میشان، آسورستان، اربایستان، آتورپاتکان، ارمستان، وروچان، سیکان، اران، بلاسگان تا فراز به کوه کاف (= قاف) و در (= حدود) آرانان و به همه [حدود] کوه پریشخوار، ...»^۱ (نقشه ۲).

۳-۱-۲. سنگ‌نبشته‌های کرتیر موبد موبدان

از کرتیر موبد پرنفوذ و سخت‌گیر آغاز دوره ساسانی چهار سنگ‌نبشته بر جای مانده که در زمان پادشاهی بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م.) که به بالاترین مقام خود می‌رسد نگاشته شده است. در این سنگ‌نبشته‌ها به سرزمین‌های انیرانی اشاره شده و همچنین از بخش‌های گوناگون قفقاز جنوبی و سرزمین‌های آن نام می‌برد. به عقیده‌ی تفضلی،^۲ ممکن است

۱. سنگ‌نبشته‌های پهلوی اشکانی (پارتی)، ص. ۴۲.

۲. احمد تفضلی، (۱۳۸۹)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن، ص.

سنگ‌نیشته سرمشهد، از نظر زمانی، از همه قدیم‌تر و شاید نوشته‌ی اصلی باشد. بنا بر سنگ‌نیشته کعبه زردشت بخش‌های قفقاز جنوبی که جزو انیران تقسیم‌بندی می‌کند چنین است: «... و کشور ارمنستان، و گرجستان، آلبانی و بلاسگان تا دروازه آلان‌ها، ...»^۱.

۳-۱-۳. سنگ‌نیشته نرسه در پایکلی

در پایکلی در جنوب سلیمانیه عراق و در شمال قصر شیرین سنگ‌نیشته‌ای از نرسه پادشاه ساسانی به دو زبان فارسی میانه و پارسی بر دیوارهای یک برج مکعب‌شکل دیده می‌شود. نوشته شامل شرح وقایع پس از درگذشت بهرام دوم تا حرکت نرسه از ارمنستان به سوی ایران و دیدار با بزرگان ساسانی در پایکلی است. بخش پایانی این سنگ‌نیشته که از حامیان نرسه نام می‌برد چنین است: «... شاه [بلاس] گان، و شاه مسکوتان،^۲ و شاه ایبریا، و شاه سیگان،^۳...»^۴ در این سنگ‌نیشته نرسه به عنوان «بزرگ ارمنستان شاه» نام برده شده است. وی بر روی سکه‌های خود نیز از همین لقب استفاده می‌کند.

۳-۱-۴. سنگ‌نیشته‌های شهر دربند قفقاز

تاکنون بیست و پنج سنگ‌نیشته کوچک (شکل ۷) به خط پهلوی پیوسته در باروی شهر دربند قفقاز کشف شده است. این سنگ‌نیشته‌ها (دارای دو یا سه کلمه در هر سطر) شامل نام‌های خاص سنگ‌تراشان یا کسانی است که در کشیدن دیوار سهمی داشته‌اند و یا این که نام و عنوان آمارگر (رئیس محاسبات) را در بر دارند.^۵ سنگ‌نیشته‌ها به احتمال قوی متعلق به سده ششم م. هستند.^۶ دانش سنگ‌نیشته‌شناسی آنها را به یک دوره متعلق می‌داند، و متن آنها آشکارا به اواخر ساسانی مربوط است و اسناد آنها به دوره خسرو یکم را تأیید می‌کند.^۷

1. Ph. Gignoux, "L'inscription de Kirdir a Naqš-i Rostam", *Studia Iranica*, Tome 1, fascicule 2, 1972, p. 190.

2. Mskyt'n

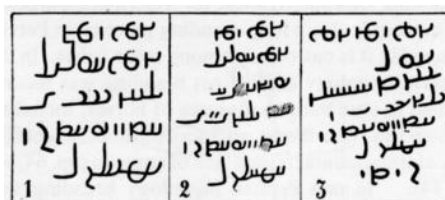
3. Sigān

4. P.O. Skjærvø, (1983), *The Sassanian Inscription of Paikuli*, Munich: Dr. Ludwig Reichert Verlag Wiesbaden, p. 53.

۵. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص. ۸۹.

6. W.B. Henning, "Mitteliranisch", in: *Handbuch der Orientalistik*, Abt. 1, Bd. 4, Abs. 1, 1958, p. 48.

7. Erich Kettenhofen, (1994), "Darband", *Encyclopædia Iranica*, Vol. 7, Fasc. 1, Costa Mesa, California: MAZDA, p. 18.



شکل ۷. سنگ‌نبشته‌های دیوار دربند قفقاز سده ششم م.^۱



نقشه ۲. قلمرو ساسانیان بر اساس سنگ‌نبشته‌های سده سوم م.

۲-۳. سکه‌های پادشاهان ساسانی

از دیگر داده‌های باستان‌شناختی سکه‌ها هستند که بر اساس محل ضرب آنها می‌توان به متصرفات انیرانی نیز پی برد. در سکه‌های اوایل ساسانی نام سکه‌خانه دیده نمی‌شود (نام سکه‌خانه‌ها از روزگار شاهنشاهی بهرام دوم گهگاه بر سکه‌ها پدید آمد و از سده پنجم م. جنبه حتمی به خود گرفت).^۲ بر پشت این سکه‌ها، به ویژه از زمان بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹ م.)^۳ پس از پادشاهی بهرام چهارم و زاماسب (۴۹۷-۴۹۹ م.)،^۴ نام شهری که

1. G. G. Gamzatov and F. Thordarson, (1993), "Dāgestān", *Encyclopedia Iranica*, Vol. 6, Fasc.6, New York: Routledge & Kegan Paul, p. 568.

۲. ولادیمیر لوکونین، (۱۳۸۴)، *تمدن ایران ساسانی*، مترجم عنایت‌اله رضا، تهران: علمی و فرهنگی، ص. ۲۵۳.

۳. روبرت گوبل، (۱۳۸۲)، «سکه زنی»، در: *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، فرانتس آلتهایم، روت استیل، تهران: علمی و فرهنگی، ص. ۸۶.

۴. دیوید سلوود، (۱۳۸۷)، «سکه‌های ساسانی»، در: *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، گرد آورنده احسان یارشاطر، تهران: امیرکبیر، ص. ۴۳۶.

سکه در آن ضرب شده نقش گردیده است. بنابراین از سکه‌خانه‌هایی که در انیران وجود داشته تا پیش از بهرام چهارم آگاهی چندانی وجود ندارد. بر سکه‌های ساسانی نام‌هایی چون ارمین، ویروزان و اران دیده می‌شوند.

۳-۲-۱. ارمین

نام ارمینستان به صورت کوتاه‌شده‌ی ARM بر سکه‌های ساسانی دیده می‌شود. گوبل^۱ معتقد است که این نام هنوز قابل جایابی نیست و نظر هرتسفلد در مورد ارمینه را نیز به دلیل این که بدون توضیح خاصی ارائه شده نمی‌پذیرد. پاروک نخستین کسی بود که مونوگرام ARM را برای ارمینستان پیشنهاد کرد.^۲ این نام در سکه‌های بهرام پنجم (۴۲۰-۴۳۸ م.)، یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷ م.)، پیروز (۴۵۹-۴۸۴ م.)، بلاش (۴۸۴-۴۸۸ م.)، قباد یکم (۴۸۸-۴۹۶ م؛ ۴۹۹-۵۳۱ م.)، زاماسب، قباد دوم (۶۲۸-۶۳۰ م.)، خسرو یکم (۵۳۱-۵۷۹ م.)، هرمزد چهارم (۵۷۹-۵۹۰ م.)، خسرو دوم (۵۹۱-۶۲۸ م.)، اردشیر سوم (۶۳۰ م.) و یزدگرد سوم (۶۳۲-۶۵۱ م.) دیده شده است (شکل ۱).



شکل ۱. سکه‌های خسرو یکم و خسرو دوم ضرب ارمین^۳

۳-۲-۲. اران

فرانتس گُرنه^۴ در سال ۱۹۹۳ به پژوهش در مورد دو درهم از سال ۳۵ پادشاهی قباد یکم

۱. «سکه زنی»، ص. ۹۸.

2. E. Khurshudian and A. Zohrabian, (2002), *Sassanian coins of Armenia*, Almaty: Desht-i Qypchaq, p.6.

3. Ibid, Pl. 30, No. 59; Pl. 44, No. 235.

4. F. Gurnet, "A new Sasanian Mintmark?", *Newsletter of Oriental Numismatic Society*, No. 138, 1993, p. 5.

با مونوگرام 'l'n پرداخت و آن را نام ساسانی آلبانیای قفقاز بیان کرد. این نام در نسخه پارتی سنگ‌نبشته کعبه زردشت شاپور یکم به صورت 'rd'n، اما در نسخه یونانی مطابقت دقیقی وجود دارد و به صورت Albaniau آمده است. در سنگ‌نبشته‌های کرتیر در سرمشهد و نقش رستم اردان و در کعبه زردشت نیز 'l'ny آمده است.

۳-۲-۳. ویروزان

این مونوگرام را گوبل^۱ نامشخص و به احتمال در شمال یا شرق امپراتوری می‌داند. با توجه به سنگ‌نبشته شاپور یکم در کعبه زردشت می‌توان این نام را مورد بررسی قرار داد. در متن پهلوی به شکل wlc'w'n، در متن پارتی wyršn، و در متن یونانی Iberias خوانده می‌شود. با توجه به متن پهلوی می‌توان آن را وروچان خواند که در واقع نام ساسانی گرجستان شرقی است. این نام در پایان دوره ساسانی بر روی گِل‌مُهرهای این دوره ویروزان نوشته شده است. نام این سکه‌خانه در سکه‌های خسرو یکم، هرمزد چهارم (۵۷۹-۵۹۰ م.)، اردشیر سوم و پوراندخت (۶۳۰ م.) دیده شده است (شکل ۲).



شکل ۲. سکه‌های پوراندخت^۲ و هرمزد چهارم ضرب ویروزان^۳

۳-۳. گِل‌مُهرهای ساسانی

نخستین بار هرتسفلد بود که در سال ۱۹۳۶ به اهمیت گِل‌مُهرها و نقش آنها در بازسازی سازمان اداری ساسانیان پی برد.^۴ کتاب *ماتیکان هزار داتستان* رواج مُهرهای اداری را به

۱. «سکه زنی»، ص. ۱۰۸.

۲. امین امینی، (۱۳۸۹)، *سکه‌های ساسانی*، تهران: پازینه، ص. ۲۴۳، ش. ۹۳۰.

۳. *Sassanian coins of Armenia*, Pl. 35, No. 11.

۴. Rika Gyselen, "Les données de géographie administrative dans la Šahrestānīhā-ī Ērān", *Studia Iranica*, Tome 17, Fasc 2, 1988, p. 191.

زمان پادشاهی قباد و خسرو یکم نسبت می‌دهد.^۱ کشف یک انبار گل‌مُهر در شهر دوین^۲ ارمنستان از این جهت مهم است که نظیر چنین انبارهایی در قصر ابونصر^۳ شیراز، تخت سلیمان^۴ تکاب، تل ابوشاف^۵ عراق، آق تپه^۶ در جنوب ترکمنستان نیز به دست آمده و این انبار گل‌مُهر در مرکز قفقاز جنوبی برای اداره این سرزمین به کار می‌رفته است. بر روی این مواد فرهنگی با اهمیت نه تنها همان نام‌هایی که بر سنگ‌نبشته‌ها و سکه‌های ساسانی وجود دارند دیده می‌شود، بلکه نام‌های بیشتری هستند که حتی در متون آن دوره نیز دیده نشده است. در ادامه به نام‌هایی که تاکنون بر روی این گل‌مُهرهای اداری خوانده شده و مربوط به منطقه قفقاز جنوبی است اشاره می‌شود.

۳-۳-۱. آردان^۷

نام آردان همراه با نام ویروزان روی یک مُهر آمارگر (شکل ۴) و همچنین با ویروزان، ارمین، سیسگان و مرز نیسوان روی یک مُهر زَرید (شکل ۳) قرار دارد.^۸ نام ارمین را بر روی مُهرهای زربد و آمارگر، همراه با شهر پادار پیروز، بازاها، شهر موگان و کوست آذربادگان مشاهده می‌شود.



شکل ۳. گل‌مُهر زَرید با نام‌های ارمین، آردان، ویروزان، سیسگان و مرز نیسوان^۹

۱. یوزف ویسهوفر، (۱۳۸۸)، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ص. ۲۳۲.

۲. A. A. Kalantarian, (1982), *Rannesrednevekoye bully Dvina*, Erevan: Izd-vo AN Armianskoï SSR.

۳. Richard N. Frye (ed.), (1973), *Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr: Seals, Sealings, and Coins*, Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

۴. روبرت گوبل، (۱۳۸۴)، *گل‌مُهرهای تخت سلیمان: جستاری در مهرشناسی اواخر ساسانی*، برگردان

فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پایگاه پژوهشی تخت سلیمان.

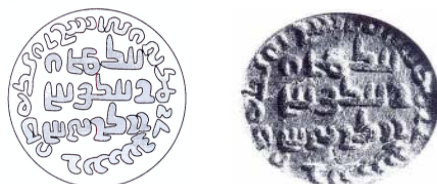
۵. Awad al-Kassar, "Tell Abu Sh'af", *Sumer*, 35, 1979.

۶. A. G. Gubaev, S. D. Loginov, A. B. Nikitin, "Sasanian bullae from the excavations of Ak-Depe by the station of Artyk", *Iran*, 34, 1996, 55-59.

۷. 'ld'n= ardān

۸. Rika Gyselen, "Nouveaux matériaux sigillographiques pour la géographie administrative de l'empire sassanide. Collection A. Saeedi", *Cahiers de Studia Iranica*, 24, 2002, p. 129.

۹. Ibid, p. 227, Fig. 55.



شکل ۴. گِل مُهر آمارگر اردان و ویروزان^۱

۳-۳-۲. آرمین^۲

این نام جای بر روی یک مُهر آمارگر (شکل ۶) همراه با شهر پادار پیروز، روی مُهر دیگری از آمارگر (شکل ۵) همراه با نام بازاها، شهر موگان و کوست آذربادگان، و همچنین با اردان، ویروزان، سیسگان و مرز نیسوان بر روی مُهری از زربد آمده است (شکل ۳).



شکل ۵. گِل مُهر آمارگر آرمین و بازاها و شهر موگان و کوست آذربادگان^۳



شکل ۶. گِل مُهر آمارگر آرمین و شهر پادار پیروز^۴

۳-۳-۳. ارزون^۵

مدارک مُهرنگاری ارزون را در حوزه آمارگر قرار می‌دهند و در مجموع با سه نام دیگر همراه است. نوشته‌ی روی این گِل مُهر (شکل ۷) به این صورت است: «آمارگر

1. Ibid, p. 215, Fig. 3.
2. 'lmny = Armin
3. Ibid, p. 219, Fig. 22.
4. Ibid, p. 215, Fig. 6.
5. 'lcwn = Arzōn

نگاهی به متصرفات ایرانی ساسانی در قفقاز جنوبی براساس داده‌های باستان‌شناختی | ۹۳

ایران-ابزود-خسرو و نسین و اروایستان و ارزون». در هیچ یک از مدارک باستان‌شناختی دیگر این نام دیده نمی‌شود.

۳-۳-۴. ایران-ابزود-خسرو^۱

این نام بر روی یک مُهر استاندار (شکل ۸) همچنین بر روی یک مُهر آمارگر (شکل ۷) به همراه نسین، اروایستان و ارزون مشاهده می‌شود.



شکل ۷. گل مُهر آمارگر ایران-ابزود-خسرو، نسین، اروایستان و ارزون^۲



شکل ۸. استاندار ایران-ابزود - خسرو^۳

۳-۳-۵. بلاسگان^۴

نام‌جای بلاسگان که در سنگ‌نبشته‌های ساسانی دیده می‌شود تنها بر روی یک مُهر مربوط به کاتولیکوس آلبانی و بلاسگان که بر روی آن نوشته شده «کوست آلبان و بلاسگان بزرگ کاتولیکوس» دیده می‌شود.^۵

1. 'yl'n 'pzw't hws'lwd = Ērān-abzūd-Khusrō

2. Ibid, p. 215, Fig. 2.

3. Ibid, p. 222, Fig. 38.

4. bl'skn = Balāsagān

5. S. Yu., Kasumova, "Le sceau du catholicos d'Albanie et du Balāsagān", *Studia Iranica*, Tome 20, Fasc 1, 1991, p. 23.

۳-۳-۶. سیسگان^۱

این نام با چهار نام دیگر - ارمین، اردان، ویروزان و مرز نیسوان - بر روی یک مهر زربد دیده شده است (شکل ۳). برخی از نویسندگان سیگان^۲ را جستجو می‌کنند، که به عنوان یک ناحیه شاهنشاهی در سنگ‌نبشته شاپور یکم آمده است. همچنین یک سیگان شاه^۳ نیز در سنگ‌نبشته نرسه تأیید شده است.

۳-۳-۷. ویروزان^۴

نام ویروزان توسط یک مهر استاندار شناخته می‌شود (شکل ۹). پیش از این با اردان روی یک مهر آمارگر (شکل ۴) و نیز با اردان، ارمین، سیسگان و مرز نیسوان روی یک مهر زربد (شکل ۳) مشاهده شد.



شکل ۹. استاندار ویروزان^۵



نقشه ۳. نواحی ساسانی در قفقاز جنوبی بر اساس مدارک مهرنگاری

1. sysk'n = Sīsgān
2. sykn = Sēgān
3. sēgān-šāh
4. wlw'c'n = Wirōzān
5. Erich Kettenhofen, (1995), "Tirdād und die Inschrift von Paikuli." *Kritik der Quellen zur Geschichte Armeniens im späten 3. und frühen 4. Jh. n. Chr.*, Wiesbaden: Dr. L. Reichert Verlag, p.19.

۴. تحلیل مدارک و داده‌های باستان‌شناختی

در این پژوهش سه گونه داده باستان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت، که سه دوره زمانی خاص را در طول سلسله ساسانی در بر می‌گیرند. نخست سنگ‌نبشته‌ها که در سده سوم م. ایجاد شده‌اند، دوم سکه‌ها که از سده چهارم م. تا پایان دوره ساسانی نام سکه‌خانه‌ها را بر خود دارند، سوم گِل‌مُهرها هستند که در سده ششم و هفتم م. در کارهای اداری و بازرگانی به کار می‌رفته‌اند. متون کلاسیک نیز آگاهی‌های ارزشمندی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. در ادامه بر اساس ترتیب زمانی این داده‌های باستان‌شناختی به تحلیل آنها می‌پردازیم.

همان‌طور که پیش‌تر در بخش معرفی سنگ‌نبشته‌ها مشخص شد، سه سنگ‌نبشته مهم مربوط به شاپور یکم، کرتیر و نرسه وجود دارد. بر اساس سنگ‌نبشته شاپور یکم که کامل‌تر است، سرزمین‌های قفقاز جنوبی شامل ارمنستان، وروچان، سیکان، اران، بلاسگان تا کوه قاف (قفقاز) و تا دروازه آلان‌ها است. سنگ‌نبشته‌های کرتیر نیز برخی از این نام‌ها را در بر می‌گیرند و سخن تازه‌ای برای ما ندارند. در عوض در سنگ‌نبشته پایکلی، نرسه از شاهانی نام می‌برد که بر سرزمین‌های قفقاز جنوبی فرمانروایی می‌کردند و دست‌نشانده ساسانیان بودند و نیز از فرمانروایی خود بر ارمنستان یاد می‌کند. وجود سنگ‌نبشته‌های دربند قفقاز تردیدی در این که این منطقه در اختیار ساسانیان بوده باقی نمی‌گذارد.

سکه‌ها نیز تنها از ارمن، اران و وروچان نام می‌برند و آگاهی‌های تازه‌ای در خصوص سرزمین پهناور قفقاز جنوبی در اختیار ما قرار نمی‌دهند. با وجود این، سکه‌های هرمزد اردشیر و نرسه هرچند نام سکه‌خانه را بر خود ندارند، آگاهی‌های ویژه‌ای را در مورد ارمنستان می‌دهند. هم در سنگ‌نبشته شاپور یکم در کعبه زردشت و هم در سکه‌های هرمزد اردشیر و نیز در سنگ‌نبشته پایکلی و سکه‌های نرسه این دو پادشاه ساسانی با لقب «بزرگ ارمنان شاه» شناخته می‌شوند.

آخرین و مهم‌ترین بخش از داده‌های باستان‌شناختی گِل‌مُهرهای اداری هستند. در این گِل‌مُهرها، نام‌هایی چون ارمن، اردان، ارزون، اسپیر، بازاها، بلاسگان، سیکان، سیسگان، شهر پادار پیروز، مرز نیسوان و ویروزان دیده می‌شوند (نقشه ۳). وجود این نام‌ها بر روی

گل‌مهرها ما را از گستره‌ی متصرفات ساسانیان در این منطقه آگاه می‌سازد، هرچند جایابی برخی از آنها چالش‌برانگیز است. در ادامه نام‌جای‌های مهم گل‌مهرهای اداری بررسی می‌شوند.

اردان: با این نام بر روی دو سکه از قباد یکم آشنا شدیم و نیز آن را در سنگ‌نبشته‌های آغازین دوره ساسانی بررسی کردیم. بر اساس داده‌های مهرنگاری دو اداره آمارگر و زربد نام اردان را در کنار نام‌جای‌های دیگر نشان می‌دهند. در هر دو اداره بلافاصله پس از اردان نام‌جای ویروزان آمده که نشان‌دهنده همجواری این دو ناحیه در قفقاز جنوبی است. با توجه به حضور این نام در سنگ‌نبشته شاپور یکم و همچنین سنگ‌نبشته‌های کرتیر می‌توان گفت که این مرکز اداری تا زمان بهرام دوم در دست ساسانیان قرار داشته است. به دلیل این که نام اردان در سنگ‌نبشته نرسه نیامده، می‌فهمیم که اردان در سال ۲۹۸ م. به روم بازگردانده شده است.^۱ همان‌طور که در بحث سکه‌ها اشاره شد، ویروزان با گرجستان شرقی قابل تطبیق است. بنابراین می‌توان اردان را در جمهوری آذربایجان جستجو کرد. به‌طور کلی، گفته می‌شود که اردان در شرق ویروزان، در جنوب رشته‌کوه‌های قفقاز و بین رود کورا و دریای خزر قرار داشته است.

ارمین: در میان گل‌مهرهای ساسانی این نام بر روی سه مهر اداری مشاهده شد. بر اساس این مهرهای اداری با منصب زربد در دوره ساسانی برخورد می‌شود که برای نخستین بار و تنها در منطقه قفقاز جنوبی به دست آمده است. با توجه به انبار گل‌مهر به‌دست‌آمده از شهر دویین ارمنستان و موقعیت این شهر که در دشت آرات قرار دارد، می‌توان پنداشت که منظور از ارمین در مدارک باستان‌شناختی که تاکنون بررسی شد نیز ناحیه‌ای بین دریاچه سوان و دریاچه وان بوده است. تعیین دقیق این ناحیه دشوار است و نیاز به پژوهش‌های بیشتری دارد.

ارزون: این نام‌جای پیش از این در هیچ یک از مدارک باستان‌شناختی وجود نداشت. بر اساس مدارک مهرنگاری، ارزون در ارتباط با اداره‌ی آمارگر و همراه با سه نام‌جای ایران-ابزود-خسرو، نسین و اروایستان بررسی شد. نام‌جای نسین شاید همان نصیبین

1. "Nouveaux matériaux sigillographiques pour la géographie...", p. 129.

مشهور باشد، با توجه به نام‌جای‌های دیگر روی این گل‌مهر جایابی ارزون را می‌توان بهتر شناسایی کرد. این ناحیه در جنوب غربی دریاچه وان و در استان ارزان قرار داشته است. ارزون نام کنونی مکانی است که منابع سریانی به عنوان مرکز بازرگانی ارمنیان اروستان/الزینک نام برده‌اند.^۱ پاستوس بوزند^۲ در کتاب *تاریخ ارمنیان* به این ناحیه اشاره می‌کند. ارزون از جایی که رود دجله شروع می‌شود درست پایین مرز بیزانس و در کردستان ترکیه شرقی قرار دارد.^۳

ایران‌ابزود-خسرو: این نام نیز تنها از طریق گل‌مهرهای ساسانی برای ما شناخته شده است و در هیچ یک از مدارک باستان‌شناختی و نیز منابع ادبی با این نام برخورد نمی‌کنیم. بر اساس گل‌مهرهای ساسانی که این نام را بر خود دارند، می‌توان با دو اداره‌ی استاندار و آمارگر در این ناحیه از شاهنشاهی ساسانی آشنا شد. در گل‌مهری که از اداره‌ی استاندار وجود دارد، تنها یک نام مشاهده می‌شود و آن ایران‌ابزود-خسرو است. با توجه به این نام‌جای می‌توان پنداشت که یک استان ساسانی در مرز با بیزانس بوده است. از طرف دیگر، در گل‌مهری که نام آمارگر دارد، این نام را می‌توان همراه با نام‌جای‌های نسیین، اروایستان و ارزون مشاهده کرد که موقعیت این استان را در جنوب غربی قفقاز جنوبی نشان می‌دهد. با توجه به این که در سایر منابع این نام‌جای غایب است، بنابراین می‌توان نواحی اطراف ارزون و اروایستان را به منظور ارزیابی جایگاه «ایران‌ابزود-خسرو» بررسی کرد.^۴ یکی از نواحی نزدیک‌تر به ارزون و اروایستان، گوردین است، که همان قردو،^۵ و کُردوک در منابع ارمنیان است.^۶ این ناحیه مرکز تجاری ارمنیان آسورستان را نشان می‌دهد. منابع ارمنی به این ناحیه توجه کرده‌اند، همان‌طور که در مورد ارزون و

1. N.G., Garsoïan, "Quelques précisions préliminaires sur le schisme entre les églises byzantine et arméniennes au sujet du Concile de Chalcedoine III. Les évêchés méridionaux limitrophes de la Mésopotamie", *Revue des études arméniennes*, 23, 1992, p. 45.

۲. پاستوس بوزند، (۱۳۸۳)، *تاریخ ارمنیان*، ترجمه، پیشگفتار و پانوش گارون سارکسیان، تهران: نائیری، ص. ۵۵.

3. M.G. Morony, "Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamic al-'Iraq", *Iran*, 20, 1982, p. 9.

4. "Nouveaux matériaux sigillographiques ...", p. 141.

5. "Continuity and Change ...", pp. 7-9.

6. "Quelques précisions préliminaires sur le schisme...", p. 45.

ارواستان، آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین بزرگ ارمنستان می‌نامند. این سرزمین‌ها توسط شاهنشاهی ساسانی پس از معاهده صلح سال ۳۶۳ م. بین ژوویان (۳۶۳-۳۶۴ م.) و شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م.) و در سال ۳۷۱ م. برای یک دوره کوتاه به ارمنستان بازگردانده شد.^۱

بلاسگان: این نگارش که در سنگ‌نبشته‌های شاپور یکم و احتمالاً سنگ‌نبشته کرتیر در سده سوم م. وجود دارد، تأیید شده است،^۲ و همچنین روی یک مهر کاتولیکوس دیده می‌شود. بلاسگان در شرق منطقه قفقاز جنوبی و در جنوب اران قرار داشته است.

سیسگان: همراه بودن سیسگان با نام‌های ارمین، اردان، ویروزان و مرز نیسوان بر جایابی آن تردیدی باقی نمی‌گذارد. گل‌مهری که مربوط به اداره‌ی زربد است سیسگان را بین ویروزان و مرز نیسوان قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان سیسگان را در شمال غرب قفقاز جنوبی جایابی کرد، که عبارت است از سیونیک^۳ ارمنی که بین ایبری و آلبانی، ارس و دریاچه سوان قرار می‌گیرد.^۴ این شناسایی کاملاً مطابق با مدارک ارائه‌شده توسط مهرهای اداری است.^۵ مارکوارت نام سیسگان را در دوره اسلامی بنا بر نوشته‌های مسلمانان «سیسجان» آورده است.^۶ سیسگان از شمال به استان گوگرک، از مشرق به آرتساخ، از جنوب به واسپورکان و آتروپاتکان، و از غرب به آرات (آیرارات) محدود بود.

ویروزان: بر اساس مدارک مهننگاری، این ناحیه از قفقاز جنوبی توسط دو اداره آمارگر و زربد شناسایی می‌شود. بنا بر گل‌مهر آمارگر، ویروزان با اردان مرز مشترک داشته و همچنین بر اساس گل‌مهر زربد، ویروزان با اردان و ارمین مرز مشترک داشته است. در مورد این نام در بخش سنگ‌نبشته‌ها و سکه‌ها توضیح داده شد. ویروزان به عنوان یک ناحیه شاهنشاهی ساسانی در سنگ‌نبشته شاپور یکم در کعبه زردشت نام برده شده است، هرچند به نظر می‌رسد ویروزان در این دوره یک قلمرو سلطنتی باشد، زیرا یک ویروزان

1. "Nouveaux matériaux sigillographiques ...", p. 141.

2. Ph. Gignoux, "La liste des provinces de l'Érān dans les inscriptions de Kirdīr", *Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae* 19, 1971, p. 94.

3. Siwnik

4. M.L. Chaumont, "Etats vassaux dans l'empire des premiers sassanides", *Acta Iranica* 4, 1975, p. 148.

5. "Nouveaux matériaux sigillographiques ...", p. 169.

۶. ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ص ۲۲۷.

شاه در همان سنگ‌نشته نام برده شده است.^۱ در سنگ‌نشته‌های کرتیر (دوره بهرام دوم)، ویروزان بخشی از شاهنشاهی خوانده می‌شود و به عنوان ناحیه‌ای غیرآریایی از آن یاد شده است.^۲ با پیمان صلح سال ۲۹۸ م، ویروزان از حوزه نفوذ ساسانی خارج شد و در تصرف روم قرار گرفت.^۳ در پی پیمان صلح سال ۳۶۳ م. در زمان شاپور دوم، ویروزان دوباره تحت نفوذ ساسانی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

منطقه قفقاز جنوبی گستره وسیعی است که امروزه شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و شرق ترکیه می‌شود. این منطقه در سنگ‌نشته‌های ساسانیان به عنوان سرزمین‌های ایرانی معرفی شده است. آنان با ابداع واژه انیران که به مفهوم غیرایران و بیگانه است مرزبندی‌های مذهبی و نژادی را در قلمرو خود ایجاد کردند و آن را بر تمام مناطقی اطلاق کردند که خارج از ایرانشهر و پیرو سایر دین‌ها به ویژه مسیحیت و یهودیت بودند.

بر اساس سنگ‌نشته‌ها، سکه‌ها، گل‌مُهرها و نوشته‌های تاریخی، چنین به نظر می‌رسد که منطقه قفقاز جنوبی در دوره ساسانی به سه ناحیه قومی- نژادی بزرگ تقسیم می‌شده است. اران در شرق تقریباً با جمهوری آذربایجان، ارمن در مرکز و غرب با ارمنستان و شرق ترکیه، و ویروزان در شمال با جمهوری گرجستان قابل تطبیق هستند. مسلمانان در نوشته‌های خود در دوره امویان (۴۱-۱۳۲ ق.) از منطقه قفقاز جنوبی با نام ارمنستان یکم تا سوم و در دوره عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ق.) نیز با نام ارمنستان یکم تا چهارم یاد کرده‌اند. مرکز این منطقه شهر دوین بود که در دشت آرات واقع در ارمنستان قرار داشت و از این شهر بود که ساسانیان و عرب‌ها بر منطقه قفقاز جنوبی فرمانروایی می‌کردند. به دست آمدن یک انبار گل‌مُهر از این شهر و کاوش‌های باستان‌شناختی با آثار دوره ساسانی و اسلامی

1. Ph. Huyse, "Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka'ba-I Zardušt (ŠKZ)", in: *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, Part III. Pahlavi Inscriptions, vol. I, 1999, pp. 22-23.
2. Ph. Gignoux, "Les quatre inscriptions du mage Kirdīr. Textes et Concordances", *Studia Iranica*, Cahier 9, 1991, pp. 69, 71.
3. "Etats vassaux dans l'empire", p. 108; *Tirdād und die Inschrift*, p. 23.

خود گواه این گفته است. اران در دوره ساسانی به بخش شمال شرق قفقاز جنوبی اطلاق می‌شده و بخش جنوبی آن نیز بلاسگان و شهر موگان نام داشته است. بخش شمال غربی منطقه قفقاز و یروزان نام داشته در حالی که بخش شرقی آن به نام سیسگان بوده است. بنا بر همین گِل‌مُهرها، منطقه قفقاز جنوبی شامل سه استان و یروزان، اسپیر و «ایران-ابزود-خسرو» بوده است.

چنین به نظر می‌رسد که ارمنستان به دو جهت نظامی و سیاسی در دوره ساسانی دارای اهمیت بود. از نظر سیاسی به این دلیل که منافع هر دو دولت ایران و روم در این منطقه با یکدیگر برخورد داشت، و از نظر نظامی نیز به این دلیل که مرکز فرماندهی ساسانیان در نبرد با روم در ارمنستان قرار داشت. حضور ولیعهدهای شاهنشاهی ساسانی هر مزد اردشیر و نرسه در ارمنستان به نظر بیشتر دلیل نظامی داشته تا فرمانروایی. این احتمال وجود دارد که یک لشکر بزرگ از ساسانیان همیشه در این منطقه آماده نبرد در برابر رومی‌ها بوده است.

منابع و مآخذ

- اکبرزاده، داریوش، (۱۳۸۲)، *سنگ‌نیشته‌های پهلوی اشکانی (پارتی)*، تهران: پازینه.
- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۱)، *جغرافیای کامل قفقاز*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- امینی، امین، (۱۳۸۹)، *سکه‌های ساسانی*، تهران: پازینه.
- بوزند، باوستوس، (۱۳۸۳)، *تاریخ ارمنیان*، ترجمه، پیشگفتار و پانوشت گارون سارکسیان، تهران: نائیری.
- تفضلی، احمد، (۱۳۸۹)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش زاله آموزگار، تهران: سخن.
- سلوود، دیوید، (۱۳۸۷)، «سکه‌های ساسانی»، در: *تاریخ ایران کیمبریج (از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان)*، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت ۱، تهران: امیرکبیر، صص. ۴۲۹-۴۵۲.
- گوبل، روبرت، (۱۳۸۲)، «سکه زنی»، در: *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، فرانتس آلتهایم، روت استیل، مترجم هوشنگ صادقی، تهران: علمی و فرهنگی، صص. ۵۷-۱۵۲.
- گوبل، روبرت، (۱۳۸۴)، *گل‌مهرهای تخت سلیمان: جستاری در مهرشناسی اواخر ساسانی*، برگردان فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پایگاه پژوهشی تخت سلیمان.
- لوکونین، ولادیمیر، (۱۳۸۴)، *تمدن ایران ساسانی*، مترجم عنایت‌اله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳)، *ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
- ویسهوفر، یوزف، (۱۳۸۸)، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- Al-Kassar, Awad, (1979) "Tell Abu Sh'af", Sumer, 35, Baghdad: The Directorate General of Antiquities, pp. 470-471.
- Back, Michael, (1978), *Die Sassanidischen Staatsinschriften, Studien zur Orthographie und Phonologie des Mittelpersischen der Inschriften*, Acta Iranica 18, Textes et Mémoires, Tome 8, Leiden: Brill.
- Chaumont, M.L, (1975), "Etats vassaux dans l'empire des premiers sassanides", Monumentum H.S. Nyberg 1. Hommages et opera minora, Acta Iranica 4, Leiden: Brill, pp. 89-156.
- Frye, Richard N. (ed), (1973), *Sasanian Remains from Qasr-i Abu Nasr: Seals*,

- Sealings, and Coins*, Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
- Gamzatov, G.G. and Thordarson, F., (1993), "Dāgestān", *Encyclopedia Iranica*, Vol. VI, Fasc.6, New York: Routledge & Kegan Paul, pp. 568-576.
 - Garsoian, N.G, (1992), "Quelques précisions préliminaires sur le schisme entre les églises byzantine et arméniennes au sujet du Concile de Chalcedoine III: Les évêchés méridionaux limitrophes de la Mésopotamie", *Revue des études arméniennes*, 23, Paris: Sorbonne university, pp. 39-80.
 - Gignoux, Ph., (1971), "La liste des provinces de l'Ērān dans les inscriptions de Kirdīr", *Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungaricae*, Tomus 19, Fasc 1-2, Budapest: Akadémiai Kiadó, pp. 83-93.
 - Gignoux, Ph., (1972), "L'inscription de Kirdir a Naqs-i Rostam", *Studia Iranica*, Tome 1, fascicule 2, Paris: Association Pour l'avancement des Etudes Iraniennes. pp. 177-205.
 - Gignoux, Ph., (1987), "Anērān", *Encyclopedia Iranica*, Vol. 2, Fasc. 1, New York: Routledge & Kegan Paul, pp. 30-31.
 - Gignoux, Ph., (1991), "Les quatre inscriptions du mage Kirdīr. Textes et Concordances", *Studia Iranica*, Cahier 9, Paris: Association Pour l'avancement des Etudes Iraniennes.
 - Gubaev, A. G., Loginov, S. D., Nikitin, A. B., (1996) "Sasanian bullae from the excavations of Ak-Depe by the station of Artyk", *Iran*, 34, London: British Institute of Persian Studies, pp. 55-59.
 - Gurnet, F, (1993), "A new Sasanian Mintmark?," *Newsletter of Oriental Numismatic Society*, No. 138, London: Oriental Numismatic Society, p. 5.
 - Gyselen, Rika, (1988), "Les données de géographie administrative dans la Šahrestānīhā-ī Ērān", *Studia Iranica*, Tome 17, Fasc 2, Paris: Association Pour l'avancement des Etudes Iraniennes, pp. 191-206.
 - Gyselen, Rika, (1989), *La géographie administrative de l'Empire sassanide. Les témoignages sigillographiques*, Res Orientales I, Paris: Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient.
 - Gyselen, Rika, (2002), *Nouveaux matériaux sigillographiques pour la géographie administrative de l'empire sassanide. Collection A. Saeedi*, Cahiers de Studia Iranica, 24, Paris: Association Pour l'avancement des Etudes Iraniennes.
 - Henning, W.B., (1939), "The Great Inscription of Šāpūr I", *Bulletin Of The School of Oriental Studies* (University of London), Vol. IX, Part 4, London: The School of Oriental and African Studies, pp. 823-849.
 - Henning, W.B., (1958), "Mitteliranisch", *Handbuch der Orientalistik*, Abt.1, Bd.4, Abs.1, Leiden: E.J. Brill, pp. 20-130.
 - Huyse, ph, (1999), "Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka'ba-I Zardušt (ŠKZ)", [*Corpus Inscriptionum Iranicarum, Part Iii. Pahlavi Inscriptions, Royal Inscriptions*], Vol. I, London: School Of Oriental And African Studies.
 - Kalantarian, A. A., (1982), *Rannesrednevekoye bully Dvina*, Erevan: Izd-vo AN Armianskoī SSR.
 - Kasumova, S. Yu., (1991), "Le sceau du catholicos d'Albanie et du Balāsagān," *Studia Iranica*, 20/1, Paris: Association Pour l'avancement des Etudes Iraniennes, pp. 23-32.
 - Kettenhofen, Erich, (1994), "Darband," *Encyclopædia Iranica*, Vol. VII, Fasc. 1, Costa Mesa, California: MAZDA, pp. 13-19.
 - Kettenhofen, Erich, (1995), "Tirdād und die Inschrift von Paikuli", *Kritik der Quellen zur Geschichte Armeniens im 3. und frühen 4. Jh. n. Chr.*, Wiesbaden: Dr. L. Reichert Verlag.
 - Khurshudian, E., Zohrabian, A., (2002), *Sassanian coins of Armenia*, Almaty:

| نگاهی به متصرفات انیرانی ساسانی در قفقاز جنوبی براساس داده‌های باستان‌شناختی | ۱۰۳

Desht-i Qypchaq.

- MacKenzie, David Niel, (1998), "Ērān, Ērānšahr", *Encyclopedia Iranica*, Vol. VIII, Fasc. 5, Costa Mesa, California: MAZDA, p. 534.

- Maricq, André, (1958), "Classica et Orientalia: 5. Res Gestae Divi Saporis", *Syria, Revue D'art Oriental Et D'archéologi*, Tome. Xxxv, Fasc. 3/4, Paris: Librairie Orientalist Paul Geuthner, pp. 295-360.

- Morony, M.G, (1982), "Continuity and Change in the Administrative Geography of Late Sasanian and Early Islamic al-'Iraq", *Iran, Journal of the British Institute of Persian Studies*, XX, London: British Institute of Persian Studies, pp.1-49.

- Skjærvø, P.O., (1983), *The Sassanian Inscription of Paikuli*, Munich: DR. Ludwig Reichert Verlag Wiesbaden.

- Sprengling, M., (1937), "A New Pahlavi Inscription", *American Journal of Semitic Languages and Literatures*, vol. 53, No. 2, CHICAGO, ILLINOIS: University of Chicago Press, pp. 126-144.